

مرگ و زندگی تازه



خطبه ای از کتاب رومیان فصل 11 ایه 3-11

«3 خداوندا، انبیای تو را کشته‌اند و قربانگاههای تو را ویران ساخته‌اند و من تنها باقیمانده‌ام و اینک آنان قصد جان مرا دارند4». اما خدا چه پاسخی به او داد؟ او فرمود: «من هفت هزار مرد که در جلوی بت بعل زانو زده‌اند برای خود نگاه داشته‌ام5». پس همچنین در حال حاضر تعداد کمی که خدا بر اثر فیض خود برگزیده است، وجود دارند6. اگر این از فیض خداست، دیگر بسته به کارهای انسانی نیست و اما اگر به کارهای انسان مربوط است، دیگر فیض معنایی نخواهد داشت7. پس مقصود چیست؟ مقصود این است که قوم اسرائیل آنچه را که می‌طلبید نیافته است. برگزیدگان آن را یافتند و سایرین نسبت به آن بی‌اعتنا گردیدند، 8 چنانکه کلام خدا می‌فرماید: «خدا یک حالت بی‌حسی به ایشان داد، یعنی چشمانی که نمی‌بینند و گوشهایی که نمی‌شنود و حتی تا به امروز این حالت ادامه یافته است9». و داوود می‌گوید: «سفره آنها برای ایشان تله و دام و سنگ لغزش‌دهنده و عقوبت باد10. چشمان آنان تار گردد تا نبینند و پشت ایشان زیر بار تا ابد خم شود11». از شما می‌پرسم: آیا این لغزش یهودیان برای شکست کامل آنها بود؟ به هیچ وجه، بلکه تا در اثر خطای آنها، نجات به غیر یهودیان برسد و این باعث رَشک و حسادت آنان شود.

در کشور بلژیک یک زن بیوه در زمان خاک سپاری شوهرش با شوکی دیگری در زندگی اش مواجه می‌شود. زیرا از درون تابوت شوهرش صدای دوست داشتنی گوشه‌ای همراه همسرش را می‌شنود. این اشتباه از اداره مراسم خاکسپاری شوهر آن خانم سر زده بود که آنها فراموش کرده بودند گوشه‌ای همراه مرد فوت شده را در داخل تابوت نذارند. اینجا باز می‌بینیم که گوشه‌های همراهمان در زمان مرگ هم دست از سر ما بر نمی‌دارند. ولی مطمئناً صدای آن گوشه‌ای به آن مرحوم نداشته است. چراکه او نمی‌توانسته به آن جواب دهد. او برای همیشه مرده بود و دست او از همه چیز کوتاه گشته شده بود و دیگر اراده‌ای در این دنیا نداشت.

زیرا مرگ برای آن مرد یک خط پایان محسوب می‌شد. پولس هم درباره این موضوع با ما صحبت نموده است. پولس برای ما در اینجا از سرگذشت جنازه های ادم ها که بعد از مرگ چه می‌شوند ، صحبت نکرده بلکه این موضوع برمی‌گردد به مرگ نهایی و یا بهتر بگوییم مرگ و زندگی جاویدان که هر دو آنها را ما در عیسی تجربه می‌کنیم. او در ادامه می‌گوید: در زمان غسل تعمید ما در مرگ و شیطان نابود می‌شویم همانطور که عیسی به خاک سپرده شد ما هم نیز با او به قبر سپرده می‌شویم ولی بعد از آن دوباره همانطور که عیسی رستاخیز می‌نماید ما هم با او زندگی جاویدانی پیدا می‌نماییم. و در این میان مسائلی وجود دارد که بعد از مرگ همه بی‌ارزش خواهند شد چیزهایی که ما برای آنها زمان های زیادی زندگی کرده ایم مثل صدای آن زنگ گواهی همراه برای آن مرد داخل تابوت. حال این چیزهایی که ما برای آن تمام زندگی مان را داده ایم چه هستند؟ و همچنین در زمان رستاخیزمان که در زندگی تازه ای که عیسی برای مان به ارمغان آورده است چگونه خواهد شد؟ در تمام طول نامه رومیان ، پولس به‌کرار بیان کرده است که عیسی ما را برای همیشه و بی‌نیاز از هر چیزی ، ما را نجات داده است. و بخاطر همین ما یک زندگی جدیدی داریم. در این زندگی جدید ، ما نیازی نداریم که چیزی به آن اضافه کنیم و همچنین آن چیزی از یک زندگی جاویدان کم ندارد. نجات عیسی برای ما بصورت کامل می‌باشد و برای همیشه صدق می‌کند. نجات عیسی خطی بر تمام گناهان ما ، شیطان و مرگ مان کشیده است. ما از طریق غسل تعمید به زندگی جاویدان راه پیدا می‌کنیم و تولدی دوباره خواهیم داشت. پولس در اینباره می‌داندست که بعضی از افراد از این موضوع دست مایه طنز می‌سازند مثلا برخی می‌گفتند که کار و وظیفه عیسی چیست؟ بله بخشش انسان های گناه کار. و او بدین ترتیب باید از گناه های ما خشنود باشد زیرا ما با انجام دادن گناه باعث فعالیت او می‌شویم و کار ما نیز فقط انجام گناه می‌شود. این افراد به همین دلیل غسل تعمید گرفتند تا بتوانند گناه کردن خودشان را برای خودشان توجیح کنند. زندگی این افراد ، دیگر با عیسی و در زندگی جاویدان ارتباطی ندارد. و پولس به صراحت تمام برای این عقیده آنها این جواب را داده است:

«3خداوند، انبیای تو را کشته‌اند و قربانگاههای تو را ویران ساخته‌اند و من تنها باقیمانده‌ام و اینک آنان قصد جان مرا دارند»

کسی که با عیسی مرده باشد دیگر در گناه زندگی نخواهد کرد بلکه او خطی بر تمام گناهان خودش می‌کشد. و آنها را باطل می‌کند و دیگر از گناه پاک می‌شود. دقیقا همانند آن مرد فوت شده داستان مان که در بالا گفته ایم. حالا یک سوالی برای من پیش می‌آید که وقتی ادم برای همیشه در برابر گناه پاک می‌شود چه حسی می‌تواند داشته باشد؟ متأسفانه ما انسان ها نمی‌توانیم این حس بخصوص را بخوبی درک و یا دریافت نماییم. مثلا ما مسیحیان در زمان بعد از غسل تعمید همان حسی را داشتیم که قبل از احساس می‌کردیم. و یا مثلا درباره اعمال گناه الود خودمان هم اینچنین است که بعد از دریافت غسل تعمید باز هم شیطان در گوش مان ما را وسوسه می‌نماید. متأسفانه ما برای این وسوسه های شیطانی کاری نمی‌توانیم بکنیم. و آنها می‌توانند همیشه ما را تحت تاثیر قرار دهند و همچنین این گناهان برای ما اینگونه نداعی می‌شوند که انکار دیگر آنها در ما اثر نخواهند داشت. ولی می‌بینیم که آنها باز هم در ما نفوذ می‌کنند. این وسوسه های شیطانی فقط در گوش ما زمزمه نمی‌گردند بلکه آنها بعضی اوقات باعث از بین رفتن مان و یا زندگی مان می‌شوند. این اتفاق نمی‌تواند فقط در همین جا ختم شود بلکه این امکان وجود دارد که ما گواهی همراه شیطان را همواره در پیش خودمان نگه داریم و مدام با او در ارتباط باشیم. و ما را به یک فاجعه بزرگ در زندگی مان بکشاند. ولی زمانی که شخصی با انگشتش ما را نشانه رود و ما را به گناهی که در حال انجام دادن آن هستیم متوجه مان کند فوراً آن گواهی شیطان را در کیف مان پنهان می‌نماییم. این اتفاق ها هم برای مسیحیان خیلی با ایمان نیز رخ می‌دهد. که در دام حيله شیطان می‌افتند. همه این اتفاق ها اینگونه بنظر نمی‌رسند که ما در برابر همه گناهان محافظت شده ایم. حال پولس با این گفته خودش چه منظوری داشته است که می‌گوید: ما در برابر گناهان محافظت شده ایم. شاید یک استثناهایی وجود داشته باشند که ما باید به آنها برسیم؟ و آیا ما در برابر تمام گناهانی که در مسیر این راه قرار دارد محافظت شده ایم؟ و یا امکان دارد این غسل تعمیدی که ما گرفته ایم در ما عملی نشده است و اثری نداشته است؟ و یا آیا ما باید در برابر تمام گناهان اطراف ما احساس خطر بکنیم که ما به آنها دچار خواهیم شد و یا همیشه از پیامدهای آنها باید بترسیم؟ و یا آیا یک سری افراد خاصی هستند که می‌توانند در زندگی شان به یک سری از اهداف برسند؟ و ما هم برای رسیدن به همین سطحی باید در همه حال آماده باشیم؟ نخیر

هیچ کدام اینها منظور پولس نمی باشد. چراکه اگر اینگونه می بود تمام هدف نجات ما توسط عیسی مسیح به رفتار ما بستگی پیدا می کرد و همه آنها برمی گشت به ما که در زندگی مسیحی مان چگونه رفتار می کنیم. نخیر پولس اولین کسی بود که با صداقت تمام از مبارزه زندگی مسیحی خود در مقابل گناهان سخن گفته است. اگر شخصی گناهی انجام می دهد و یا در حالت مبارزه کردن با آن است این به آن معنی نمی باشد که او دیگر یک مسیحی نمی باشد. این سخن اصلی و مهم تمام گفته های پولس می باشد. هر چیزی که ما مسیحیان در باره آن صحبت می کنیم و یا با آن سر و کار داریم پولس همیشه از عیسی درباره آنها با ما شروع به سخن گفتن می نماید. عیسی همیشه سرچشمه و محور تمام سخنان پولس می باشد. ما نمی توانیم در هیچ کاری از خودمان سرلوحه بگیریم. زندگی مسیحی ما دقیقا همانند مراسم غسل تعمید مان می باشد. در زمان غسل تعمید ما تمام اهداف عیسی را که انجام داده است را بر دوش می گیریم و تمام وعده هایی که به ما داده است و تمام کارهایی که برای مان انجام داده است در ما اثر می نماید. و همه آنها در همان زمان اول زندگی مسیحی مان شروع می گردد. زندگی ما با سختی هایی که ما انسان ها برای خودمان درست می کنیم شروع نمی شود بلکه زمانی زندگی پاک ما آغاز می گردد که ما آن را با عیسی شروع بکنیم. بعد از غسل تعمید ما دیگر به خدا تعلق داریم و بچه های او می شویم. تمام اعمال و رفتارمان توسط عیسی حالت مسیحی گونه ای پیدا می کند. شخصی می تواند بسیار سالم و بی مشکل باشد ولی در برابر خدا شرمند باشد کسی دیگر می تواند سلامت جسمانی نداشته باشد ولی با عیسی و با او زندگی نماید. ادم نمی تواند همه اینها را اندازه بگیرد. و ببیند که چه کسی در مقابل خدا چگونه است. ادم نمی تواند زندگی جدید مسیحی گونه را توسط روش های روانشناسی و یا علمی بررسی کند. یک ادم مسیحی برای ما تا قیامت ناشناخته باقی می ماند و ما از اعمال و رفتار او بی اطلاع خواهیم شد. یک ادم تازه مسیحی ، یک شخص سمبولیک مسیحی نمی باشد بلکه او کاملا یک فرد عادی می باشد که پولس در باره او می گوید: ما نباید در پشت تمام گناهان مان پنهان شویم و در برابر آنها بی اعتنا بشویم بلکه ما بایستی با الهام گرفتن از عیسی با آنها مبارزه کنیم و پا در زندگی بهتری بگذاریم. در اینجا کاملا روشن می شود که زندگی جدیدمان باز هم ناکامل می باشد. ما توسط غسل تعمید عضو دائم بهشت شده ایم. ولی ما متاسفانه هنوز به آنجا نرسیده ایم ولی ما پاسپورت آنجا را داریم و به آنجا متعلق هستیم. چیزهایی که ما با عیسی در برابر خداوند خواهیم دید در زمان اکنون نمی توانیم آنها را بفهمیم. بهشت یک نمونه جدیدی از زمین نمی باشد بلکه آنجا یک سرزمین کاملا جدیدی می باشد. و این بهشت درست از همین جا شروع می شود. زیرا عیسی فقط در کنار اجتماع کلیسایی اش زندگی نمی کند. بلکه او در تمام امور ما حضور دارد و جایی که ما حس می کنیم که او در کاری از ما تأثیری گذاشته است این حضور او به ما این امید را می دهد که او روزی در برابر ما ظاهر خواهد گشت. دقیقا مثل زمانی که ما به گل های درخت سیب می نگیریم و به آوردن محصول آن اعتنای نمی کنیم و فراموش می کنیم که روزی آن درخت میوه خواهد آورد. این شکوفه ها هیچ وقت همانند یک سیب نخواهند شد. برای همین ما برای این اتفاق بزرگ خوشنود خواهیم شد. زندگی ما انسان ها با خداوند نیز به همین گونه می باشد. بهترین محصولات روحی ما همیشه از برکات عیسی مسیحی و از زندگی جاویدان خواهند آمد. و همه این ها به ما مژده آمدن بهترین ها را در زما اخر را می دهند. و تا آنجا ما از این مطمئن هستیم که ما در برابر گناه محافظت شده ایم. امین.